

انگیزه ها و روش های نابودکردن جنگل ها در ایران توسط حکومت

م.م (آینده)

Ayandeh.3000@yahoo.com

پس از انحراف قیام ۵۷ و تحویل قدرت از رژیم شاهنشاهی به حکومت ضد انسانی و پلید ملایان ، به قدرت رسیدگان دست چپاول و یغما به تمامی منابع کشورمان گشودند. از جمله منابع مورد هجوم و غارت، باید از منابع طبیعی و جنگل ها نام برد. در این نوشتار، به طور مختصر به انگیزه ها و روش های نابود کردن جنگل ها توسط رژیم جمهوری اسلامی پرداخته می شود. در باب غارت و نابودی جنگل ها ، عوامل نابودی ، آثار و نتایج و جنگل بانان دلاوری که در راه دفاع از حریم جنگل ها به شهادت رسیدند ، هر چه گفته شود کم است که ابعاد فاجعه بس بزرگ است. درود به روح پاک جنگل بانان شهید کشورمان ، که در برابر ظلم و خیانت ایستادند.

منابع طبیعی و جنگل ها از سرمایه ها و پشتوانه های یک کشور به حساب می آیند و متعلق به حتی یک نسل نیز نیست ، چه رسد به آن که به گروهی دزد و جنایتکار تعلق داشته باشند ، که متاسفانه بر کشورمان حکومت می کنند. رژیم حاکم بر اساس انگیزه هایی از قیام ۵۷ بدین سو ، کمر همت به نابودی جنگل ها بسته است. انگیزه های رژیم را می توان به دو دسته عمده امنیتی و اقتصادی تقسیم کرد.

۱) انگیزه امنیتی: رژیم حاکم بر ایران به خوبی آگاه است که غاصب قدرت بوده و به دنبال انحراف در قیام مردم در سال ۵۷ توانسته ابزار و جایگاه های قدرت را به دست بگیرد. و در واقع حکومت برخاسته از اراده مردم نیست. از این رو مسایل امنیتی که برای هر نظام سیاسی از اولویت برخوردار است، برای رژیم ملایان، همواره از حساسیت صد چندان برخوردار بوده است. از این دیدگاه، عوامل منفی مزاحم بایستی نابود شود. در جایی که توده های انبوه مردماز عملکرد رژیم ناراضی بوده و برخی گروه های سیاسی معتقد به مبارزه مسلحانه و نبردهای چریکی نیز وجود داشته اند جنگل ها می توانستند و می توانند بستر مناسبی برای آغاز و یا ادامه و گسترش مبارزه باشند. کما این که، سرآغاز جنگ های چریکی در ایران، در بهمن ماه سال ۱۳۴۹ در جنگل های سیاهکل گیلان شکل گرفت. استفاده از موقعیت جنگل ها در مبارزه با رژیم ملایان هم ادامه یافت که از جمله به موارد زیر اشاره می شود:

۱- مقاومت کردستان در برابر سرکوب رژیم:

در پی تجاوز وحشیانه و مغول وار عمال رژیم از ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ (روزی که خمینی ملعون فرمان حمله به کردستان را صادر کرد) به بعد، مبارزین کرد با استفاده از پوشش گیاهی و جنگل های کردستان، مقاومت مثال زدنی را به نمایش گذاشتند. رژیم با آگاهی از موضوع، ضمن بمباران مناطق مسکونی، به آتش کشیدن مزارع و کشتارهای دسته جمعی، اقدام به آتش زدن جنگل ها نمود تا چریک های کرد و سایر مبارزین همراه را از پوشش و استتاری مناسب، محروم سازد.

۲- قیام آمل (واقعه سال ۱۳۶۰ آمل) :

در مبارزه مسلحانه ای که حدود یکصد نفر از مارکسیست-لنینیست/مائوئیست های اتحادیه کمونیست های ایران(که به سربرداران معروف شدند) علیه رژیم در شهر و جنگل های اطراف شهر آمل صورت دادند، استفاده مناسبی از جنگل های آمل که پوشش مناسب، غارها و پستی و بلندی های بسیار داشت، صورت گرفت و این قیام با تکیه بر عوامل مختلف از جمله جنگل های انبوه آمل، از ۱۸ آبان ۱۳۶۰ تا ۶ بهمن ۱۳۶۰ به طول انجامید.

۳- تشکیل گروه جنگل حزب رنجبران و استقرار در جنگل های گرگان:

حزب رنجبران در سال ۶۰ و پس از اتخاذ مشی مسلحانه، گروه جنگل را تشکیل داد. تعداد افراد کادرهای ابتدایی گروه جنگل حداکثر به ۳۰ نفر می رسید که با همین تعداد وارد قسمتی از جنگل های شهر گرگان شدند. مدت کوتاهی پس از ورود آن ها به جنگل، با شناسایی و دستگیری عناصر کادرهای شهری، گروه جنگل نیز شناسایی و در آبان ماه سال ۱۳۶۰، دستگیر شدند.^۱

۴- درگیری رزمندگان ارتش رهایی بخش خلق های ایران در جنگل های خی پوست:

تعدادی از افراد گروه ارتش رهایی بخش خلق های ایران(چریک های فدایی خلق ایران) با استفاده از پوشش جنگل های مازندران به مدت ۱۴ ماه در جنگل فعالیت مستمر داشتند تا سرانجام در ۴ فروردین ۱۳۶۱ محل استقرار

گروه در جنگل خی پوست(=خی پوست) شیرگاه مازندران به محاصره پاسداران، بسیجیان و کلاه سبزه‌ها درآمد و در نبردی نابرابر، محمد حرمتی پور رهبر گروه به همراه ۴ تن از یاران وی به شهادت رسیدند.^۲ وقایعی از این دست به رژیم جمهوری اسلامی که از کمک بقایای دستگاه‌های امنیتی رژیم شاه نیز برخوردار بود، نشان داد که همان مقدار جنگل‌های کشور هم که از غارت امرای ارتش و وابستگان رژیم منحوس شاهنشاهی جان به در برده بود، هنوز چه پتانسیل عظیمی به عنوان بستر فعالیت‌ها و اقدام‌های انقلابی دارد. لذا از بین بردن جنگل‌ها به ویژه در مناطق حساس امنیتی در دستور کار رژیم قرار گرفت.

۲) انگیزه اقتصادی: درآمد حاصل از فروش چوب درختان جنگلی، تغییر کاربری به زمین‌های زراعی و باغات و نیز تملک اراضی جنگلی و تفکیک و فروش آن‌ها، عمده دلایل تخریب و نابودی جنگل‌ها را در این بخش تشکیل می‌دهد.

عوامل تخریب جنگل در ایران- کارشناسان وابسته به دستگاه‌های دولتی، عوامل تخریب جنگل در ایران را بدین شرح برشمرده‌اند: **الف- عوامل طبیعی:** ۱- بادهای شدید به ویژه بادهای گرم و سوزان ۲- یخبندان‌های زودرس پاییزه و دیررس بهار ۳- خشکی که در اثر کاهش بارندگی به وجود می‌آید ۴- باران‌های شدید به خصوص رگبارهای تند و شدید. **ب- عوامل انسانی:** ۱- چرای دام در جنگل ۲- رفت و آمد مداوم در جنگل که باعث فشردگی خاک و خرابی وضع فیزیکی خاک می‌شود ۳- آتش‌سوزی (خسارت حریق در جنگل‌های سوزنی برگ به سبب سرعت و قابلیت اشتعال، به مراتب سنگین‌تر از درختان پهن برگ است).^۳

به عقیده نگارنده ۴ عامل مهم دیگر نیز در بخش عوامل انسانی وجود دارد که در فهرست بالا به آن اشاره نشده و باید به آن فهرست افزوده شوند. این ۴ عامل عبارتند از:

- ۱- برداشت بی‌رویه و غارتگرانه چوب از جنگل
- ۲- احداث جاده در اراضی جنگلی
- ۳- اختصاص اراضی جنگلی و منابع طبیعی به پروژه‌های صنعتی و یا مسکونی
- ۴- قطع درختان جنگلی به منظور عبور خطوط انتقال نفت و گاز.

البته در ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۷ و بخش عمده ای از سال ۱۳۵۸، تجاوزاتی از سوی تعدادی از اهالی برخی روستاهای همجوار جنگل به عرصه‌های جنگلی صورت گرفت که اغلب این زمین‌ها توسط آنان تبدیل به باغات و زمین‌های زراعی گردید. از آنجایی که این امر محدود به همان زمان بوده و بعد عمدتاً متوقف گردید، آنچه در طول سی سال از ۱۳۵۸ تا امروز بر جنگل‌ها رفته، توسط حکومت و عوامل حکومتی انجام گردیده و آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بوده است. با نگاهی به تنها برخی از رخداد‌های جنگل و منابع طبیعی ایران، در می‌یابیم که رژیم تمام‌روش‌های تخریب را در جهت نابودی جنگل‌ها به کار برده و می‌برد.

۱- چرای دام در جنگل: در مورد تأثیر حضور دام در جنگل، یوسف گرجی بحری، پژوهشگر مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی مازندران می‌گوید: "حضور دام در جنگل از زادآوری طبیعی درختان جلوگیری می‌کند زیرا دام نهال را می‌خورد و درختان جدید به وجود نمی‌آیند و جنگل مخروبه می‌شود."^۴ طبق گفته‌های مصطفی عبدالله پورمدیر سابق دفتر فنی جنگل‌داری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، بر اساس مطالعات طرح جامع مقدماتی سال ۱۳۶۴ سازمان جنگل‌ها و مراتع، تعداد دام‌های موجود در جنگل‌های شمال ۴/۳۷ میلیون واحد دامی با ۳۲ هزار و ۲۷۵ دامدار، ۳۳ هزار و ۱۰۰ دامسرا و ۷۹ هزار و ۷۶ خانوار جنگل‌نشین با جمعیتی بیش از ۴۶۶ هزار و ۸۴۹ نفر برآورد شده است، (آمار فوق به جز دام‌های کتول روستاهای داخل و حاشیه جنگل بوده که یک میلیون و ۴۲۷ هزار واحد دامی برآورد شده بود). همچنین تعداد اتراق‌گاه‌های دامداری در داخل جنگل ۲۸ هزار و ۵۰۰ واحد با مساحت ۵۷ هزار هکتار بوده است. مصرف سالیانه سوخت دامداران ۲/۸۰۰ هزار متر مکعب چوب و مصرف اصطبل‌سازی و مرمت سالیانه آن ۷۰ هزار متر مکعب بوده است.^۵

آیا ورود و استقرار نزدیک به نیم میلیون نفر انسان با تعداد بیش از ۵ میلیون واحد دامی در جنگل‌های کشور بدون اطلاع و رضایت رژیم اتفاق افتاده است؟ و آیا رژیم ناتوان از جلوگیری روند شکل‌گیری این معضل بسیار مهم بوده است؟ حال ببینیم این تعداد بی‌شمار دام موجود در جنگل همراه با دامداران و خانواده‌هایشان چه خسارتی به جنگل‌ها و مراتع وارد می‌آورند؟ به گفته رضا مالداری رییس اداره سامان دهی و خروج دام از جنگل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، هر واحد دامداری مستقر در جنگل، بدون محاسبه ارزش‌های اکولوژیکی، اجتماعی و زیست‌محیطی جنگل، سالانه ۱/۳ برابر درآمد خود، به جنگل خسارت وارد می‌کند.^۶

علیرغم اعتراضات و انتقادات زیادی که توسط افراد و اقشار مختلف به استقرار واحدهای دامداری و ورود و چرای دام در جنگل صورت گرفت، رژیم عملاً حرکتی در جهت جلوگیری از روند مزبور انجام نداد زیرا با سامان دهی اغلب واحدهای مزبور، عملاً یک شبکه کسب‌وکار و اطلاعات در اراضی جنگلی و کوهپایه‌ها برقرار کرد. به گونه‌ای که

محال بود غریبه ای در کوره راهی جنگلی رفت و آمد کند و سیستم های اطلاعاتی رژیم در منطقه از آن بی خبر و بی اطلاع باشند. در واقع خسارت حضور دامداران در جنگل متوجه ملت بوده و هست و رژیم نه تنها زبانی نمی دید بلکه با حضور آن ها می توانست از هر گونه حرکت و فعالیت در مخالفت با خود به سرعت آگاه شده و به مقابله با آن بپردازد. البته همکاری با رژیم شامل همه واحدهای مزبور نمی شد. برخی ناآگاهانه و برخی از سر اجبار همراهی هایی داشتند و تعدادی نیز صرفاً به کار خود مشغول بودند.

به هر حال، بر چنین روالی، وقتی در سال ۱۳۸۱ هیات دولت وقت طرح پیشنهادی جنگل ها و مراتع را که با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه شده و "طرح جامع صیانت از جنگل های شمال" نام داشت را به تصویب رساند، در عین این که خروج دام از جنگل ها یکی از اهداف آن طرح به حساب می آمد، عملاً هیچ اقدام چشمگیر و خاصی انجام نشد. به طوری که بعداً "صفاری" مسئول سابق طرح سامان دهی جنگل نشینان سازمان جنگل ها و مراتع گفت: "در ادارات منابع طبیعی، بخش مشخصی برای پی گیری خروج دام از جنگل وجود ندارد و فقط یک نفر را مسئول این طرح کرده اند." وی همچنین افزود: "من طرح اولیه را در سال ۱۳۵۹ نوشتم." یعنی در واقع حکومت پس از ۲۲ سال به صرافت بررسی این طرح افتاده بود. در همین رابطه یکی از کارشناسان سازمان جنگل ها و مراتع (بدون ذکر نام) عنوان کرده بود که اعتبار اختصاص یافته به طرح خروج دام از جنگل های شمال بسیار کمتر از حد لازم است. وی گفت در سال ۱۳۸۴، از ۳۶۰ میلیارد ریال اعتبار مورد نیاز، فقط ۲۰ میلیارد ریال اعتبار اختصاص یافت. وی همچنین از این که کمینه امداد به جنگل نشینان نیازمند دام می دهد و این مغایر با طرح خروج دام از جنگل است، انتقاد کرد.^۷ یعنی طرح فقط به این منظور مطرح شد که پاسخی باشد برای مخالفین و منتقدین حکومت در قبال برخورد با تخریب جنگل ها و در واقع قصد انجام عمل اصلاحی در میان نبود.

در نتیجه در حالی که بر اساس بند یک ماده ۶ طرح صیانت از جنگل های شمال، سازمان جنگل ها و مراتع موظف بود تا سال ۱۳۸۸ کلیه دام ها را از جنگل خارج کند، اما حتی بر اساس آمار دستگاه های دولتی نیز، در حال حاضر حدود ۳/۳ میلیون واحد دامی در جنگل های شمال وجود دارد که ۴۷ درصد آن را گاو، ۴۶ درصد را بز و ۷ درصد را گوسفند تشکیل می دهد.^۷

۲- **آتش سوزی در جنگل:** آتش سوزی همواره در ایران به عنوان یک عامل مهم نابودی جنگل ها به حساب آمده است. در سال های پس از ۱۳۵۷، چه از طرف عوامل رژیم به مقاصد امنیتی و چه از طرف سودجویان و غارتگرانی که آن ها نیز وابسته به رژیم هستند و از سوی آن حمایت می شوند، به منظور تصرف و تغییر کاربری اراضی مزبور، بارها و بارها در مناطق مختلف، جنگل ها به آتش کشیده شده اند. که متأسفانه این روند همچنین ادامه دارد؛ برخی از این رخدادها را که تنها در سال های اخیر به وقوع پیوسته، مرور می کنیم.

- "در آتش سوزی روز ۱۳۸۶/۵/۲۵ در جنگل های شهرستان بانه، ۱۳۰ هکتار جنگل در کام آتش فرو رفت."^۸

- "طی هفته گذشته نزدیک به ۲۰۰۰ هکتار از جنگل های کردستان و کرمانشاه در آتش سوخت."^۸

- سایت رادیو زمانه نیز در مطلبی تحت عنوان "چشم انداز محیط زیست ایران در سال گذشته [۸۷]" چنین می آورد: در سال ۸۷، آتش گرفتن جنگل ها و سوختن صدها هکتار از مناطق حفاظت شده، بخش دیگری از تهدیدات محیط زیست ایران در سال ۸۷ بود. پارک ملی گلستان در سال ۸۷ شاهد چند آتش سوزی وسیع بود. در گسترده ترین این آتش سوزی ها که در ابتدای شهریور ۸۷ به وقوع پیوست، حدود ۲۰۰ هکتار از اراضی جنگلی و مراتع این منطقه در آتش سوخت. پارک ملی گلستان با ۹۱ هزار کیلومتر مربع مساحت، بزرگترین پارک ملی ایران و نخستین پارک ثبت شده کشور در سازمان یونسکو به عنوان یکی از ذخیره گاه های محیط زیستی کره زمین است. در این پارک، گونه های مختلف جانوری مانند عقاب طلایی، خرس قهوه ای، پلنگ، مرال، غزال و سایر جانوران کمیاب زندگی می کنند. در کنار آتش سوزی گلستان، می توان به آتش گرفتن ده ها هکتار از مراتع اطراف جنگل های لویزان در شمال تهران، آتش سوزی در جنگل های زانوس در مازندران و آتش سوزی در پارک جنگلی شوشتر در خوزستان نیز اشاره کرد. تالاب بین المللی امیرکلابه در استان گیلان و در شمال شهرستان لاهیجان نیز از جمله مناطق حفاظت شده ای بود که در سال گذشته طعمه آتش شد.^۹

از آتش سوزی های رخ داده در سال جاری می توان به آتش سوزی ۱۳۸۸/۶/۶ در جنگل گیان در ۱۶ کیلومتری جنوب غربی نهاوند در استان همدان اشاره کرد که این جنگل به دلیل وجود گونه های مختلف گیاهی، به عنوان ذخیره گاه ژنتیکی در نزد پژوهشگران مطرح است. در این آتش سوزی در حدود ۸۵ هکتار از جنگل ها و مراتع سراب گیان در آتش سوختند. شهردار گیان دلیل آتش سوزی را کاملاً عمدی عنوان کرد و گفت در تاریخ این جنگل، تا کنون فاجعه ای به این وسعت رخ نداده بوده است. یکی از جنگل بانان قدیمی گیان نیز با تأیید گفته های شهردار، آتش سوزی جنگل گیان را به دلیل ادعای مالکیت برخی افراد، عمدی اعلام کرد.^{۱۰}

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان چهارمحال و بختیاری نیز گفت: "در سال جاری [۱۳۸۸]، ۳۲۵ هکتار از جنگل ها و مراتع استان دچار آتش سوزی شده است."^{۱۱} البته آمار ارایه شده از سوی مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری چهارمحال و بختیاری، مدتی کمتر از ۶ ماه اول سال ۱۳۸۸ را در بر می گیرد.

خبرگزاری مستقل محیط زیست ایران، با توجه به روند نگران کننده موجود می نویسد: " آتش سوزی در جنگل ها و مراتع به عنوان یکی از خطرناکترین عوامل مخرب به شمار می رود... در حال حاضر شاهد و ناظر هستیم آتش سوزی عمدی و غیر عمدی در جنگل در استان خوزستان به خصوص شهرستان هایی همچون شوش، مسجدسلیمان، دزفول، اندیمشک، ایذه، بهبهان و باغملک یکی از مهمترین عوامل نابودی این سرمایه ملی انسانی است. دو آتش سوزی در دشت شیمبار و یک آتش سوزی در جنگل های حفاظت شده پشت سد کرخه که منجر به تخریب و از بین رفتن حدود ۶۰ هکتار از عرصه های جنگلی استان خوزستان شد، این موضوع را به معضلی جدی تبدیل کرده است."^{۱۲}

در اغلب موارد، آتش سوزی های رخ داده عمدی بوده است. از جمله به آتش کشیدن دو منطقه جنگلی در مریوان در روز سه شنبه ۱۳۸۸/۴/۹ توسط نیروهای رژیم. در این اقدام، نیروهای رژیم در سه راه " برده ره ش " و " پستی قنبری درویش " از توابع مریوان، جنگل های این مناطق را به آتش کشیدند. این آتش سوزی به سرعت گسترش یافته و مناطق وسیعی را در بر گرفت.^{۱۳}

در بسیاری موارد، ابتدا عمده درختان یک منطقه جنگلی را قطع می کنند و پس از خارج نمودن درختان قطع شده از محوطه، اقدام به آتش زدن بوته ها، شاخه های خشکیده، بقایای درختان قطع شده و محدود درختان باقی مانده می نمودند تا چنین وانمود کنند که کل درختان آن منطقه در آتش سوخته و از بین رفته اند.

۳- **برداشت بی رویه و غارتگرانه چوب از جنگل ها:** یک کارشناس مؤسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع کشور در مورد ارزش های جنگل های ایران می گوید: "حتی اگر تنها از دید اقتصادی به جنگل ها نگاه کنیم، انتظار استحصال چوب از آن نسبت به دیگر مزیت هایش، حقیرانه است... کاهش سیل خیزی اولین مزیت جنگل است. در ۲۰ سال گذشته، نرخ رخدادهای سیل در کشور حدود ۹۰۰ تا ۹۴۰ درصد افزایش یافته است. یکی از مهمترین دلایل این موضوع، کاهش پوشش گیاهی و افزایش سطح برهنگی خاک است. هر رخدادهای سیل، ۵ درصد از تولید ناخالص منطقه سیل زده را کاهش می دهد. ترسیب کربن یکی دیگر از مزایای وجود جنگل است. ترسیب کربن فرآیندی است که طی آن دی اکسید کربن از اتمسفر گرفته شده و در بافت های گیاهی به صورت هیدرات های کربن تجمع و رسوب می کند... در مورد جنگل های هیرکانی [پوشش گیاهی البرز، جنگل های باقی مانده از ۲/۵ میلیون سال پیش هستند که به آن ها جنگل های هیرکانی می گویند- نگارنده]، بخش تحقیقات جنگل ها نتیجه گرفت که بهتر است اولویت اصلی مان حفاظت از جنگل های شمال باشد، به این صورت که بهره برداری از آن ها نداشته باشیم و برای تامین نیازهای چوبی مان به واردات روی بیاوریم... اگر کشور ما بر اساس اقتصاد بوم شناختی و اقتصاد اکولوژیک اداره شود و ارزش واقعی یک هکتار جنگل را محاسبه کنیم، می بینیم که درآمد حاصل از استحصال چوب جنگل ها، قابل صرف نظر است."^{۱۴}

اما چنان که بسیار خواننده، شنیده و یا در تصاویر دیده ایم، برداشت چوب از جنگل ها به شکل فاجعه آمیزی رخ داد، به طوری که در بسیاری موارد، جنگل ها پاک تراشی شده و علیرغم همه اعتراضات و انتقادات، اقدامات مزبور متوقف نشد.

در عین حال، پس از گذشت سال ها، رژیم مبادرت به راه اندازی تشکل هایی به نام "تعاونی جنگل" و سپردن بخشی از امور به آن ها کرد تا چنین وانمود کند که تعاونی های مزبور مسبب تمامی این فجایع بوده اند. هر چند که تعاونی های جنگل هم مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار خود رژیم بود و فعالیت آن ها تقریباً منحصر به برداشت چوب بود و اقدام خاصی در جهت جنگل کاری و احیاء جنگل ها انجام ندادند و روز به روز نیز به قهقهر رفتند: "در طول سال هایی که از اجرای اولین طرح های جنگل داری می گذرد، شیوه های کاملاً متفاوتی برای اداره آن ها به کار گرفته شده، تا سال ۱۳۵۷ حدود ۷۳/۶ درصد وسعت طرح های جنگل داری در اختیار مجریان دولتی بوده اما بعد از معطوف شدن سیاست دولت... به خصوصی سازی، اولین تعاونی جنگل در سال ۱۳۶۵ در گیلان تاسیس شد... تا سال ۱۳۷۷، ۲۰ تعاونی جنگل در استان های شمالی تشکیل شد. اما بنا به دلایل متعدد، میانگین هزینه این تعاونی ها در اغلب سال ها برآمدهای آن ها پیشی گرفت... تا جایی که سهم آن ها از اداره جنگل های شمال در حد ۱۵/۳ درصد وسعت طرح های جنگل داری و اگذاری باقی ماند."^{۱۵}

اما یکی از خواندنی ترین افشاگری ها در مورد تاراج چوب جنگل های شمال در رژیم جمهوری اسلامی، بخشی از سخنرانی عباس پالیزدار در دانشگاه همدان است. در این سخنرانی، وی که به نقش روحانیان رده های بالای حکومت در مفاسد اقتصادی پرداخته، چنین می گوید: "آقای یزدی [رییس وقت قوه قضاییه] بر می دارد می نویسد که جناب فروزش، حمید ما بیکار است. ترتیبی اتخاذ فرمایید که از جنگل های شمال جهت صادرات چوب بهره مند گردد. آقای حمید یزدی پسر آقای [آیت ا... یزدی، مدیر کل حوزه ریاست قوه قضاییه بود در آن مقطع. و متأسفانه جنگل های شمال را [این طوری] به تاراج بردند و رفتند. یعنی طوری شده بود که در این پرونده، من دیدم که یک سری مردم بیچاره شمال که حق قانونی شان بود، و به اندازه هیزمشان و به اندازه مصرفشان چوب انبار کرده بودند، یا شاید یک خرده بیشتر مصرف کرده بودند یا حتی برده بودند و فروخته بودند و یا انبار کرده بودند و یا هر چی؛ [آن ها را] گرفته بودند، بازداشت و پاسگاه و بگیر و ببند، که خانواده شهدا ریخته بودند جلوی زندان. علت آن که این پرونده هم ثبت شده بود این بود که کسی به این ها گفته بود که آقای حمید یزدی چه طور این همه چوب را به تاراج میبرد و ما که یکی دو تا یا چند هیزم و چوب برداشت کرده ایم، شما ما را به عنوان متهم گرفته اید؟..."^{۱۶}

۴- **احداث جاده در اراضی جنگلی:** در طول سالیان بعد از ۵۷، به بهانه های مختلف هزاران کیلومتر جاده در دل جنگل های مناطق مختلف ایران کشیده شده که احداث هر یک فاجعه ای به شمار می رود. از جمله این اقدامات می توان به احداث جاده در پارک ملی گلستان اشاره کرد: "عملیات اجرایی پارک ملی گلستان با هدف ترمیم جاده تهران-مشهد که بخشی از آن در اثر رخداد سیل سال ۱۳۸۰ تخریب شده بود، در حالی تا امروز [۱۳۸۷] ادامه پیدا کرده است که طبق تفاهم نامه منعقد بین وزارت راه و ترابری و سازمان حفاظت محیط زیست، باید تا دو سال بعد [از عقد قرارداد] یعنی سال ۱۳۸۵ به انتها می رسید. اما نه تنها عملیات تا به امروز به طول انجامیده، بلکه به عقیده صاحب نظران زیست محیطی و بسیاری از اعضای بدنه کارشناسی سازمان حفاظت محیط زیست، در بسیاری از موارد، بندهای آن [تفاهم نامه] زیر پا گذاشته شده است. تعریض جاده تا عرض ۵۰ متر، در حالی که طبق تفاهم نامه سقف آن ۱۱/۶ متر تعیین شده؛ ساخت دیواره های بتونی بلند و تخریب پوزه های سنگی اطراف جاده و همچنین اجرایی نشدن ساخت گزینه شمالی که در آن مصوبه های دولت پیشین و کنونی و تفاهم نامه بر آن تاکید شده، تنها تعداد اندکی از تخلفات این پروژه است."^{۱۷}

جاده جنگل ابر: جنگل ابر در ۵۰ کیلومتری شمال شرق شاهرود و در مسیر جاده شاهرود به آزادشهر استان گلستان و روستای ابر قرار دارد. این جنگل ادامه جنگل های شمال کشور است و به دلیل آن که همواره ابری بر فراز این جنگل قرار دارد، به جنگل ابر شهرت یافته است. با آن که ۱۰ مسیر فعال و نیمه فعال از شهرستان گز تا شهرستان آزادشهر که ارتباط بین ۲ استان سمنان و گلستان را برقرار می کنند، وجود دارد، ولی وزارت راه و ترابری رژیم، ظاهراً به دلیل کوتاه شدن این مسیر به طول [فقط] ۲۰ کیلومتر نسبت به مسیرهای دیگر، بر تخریب جنگل ابر که بخشی از نادرترین جنگل های جهان است، پافشاری می کرد تا جاده علی آباد به شاهرود را با گذر از جنگل ابر احداث کند. به دلیل اعتراضات و انتقادات فراوان، کمیسیون زیربنایی، صنعت و محیط زیست مجلس، احداث جاده ابر در داخل جنگل ابر را منوط به موافقت سازمان محیط زیست با طرح وزارت راه و ترابری کرد.^{۱۸} البته از هر دو طرف مسیر، دخل و تصرفاتی در جنگل گردیده بود. که با اعتراضات یادشده، ادامه طرح به حال تعلیق در آمد.

همچنین در استان فارس نیز جاده جدید شهرستان کازرون از مسیر جنگل های "دشت برم" عبور می کند.^{۱۹} به هر حال متأسفانه در بسیاری موارد جاده ها را یا در داخل جنگل ها و یا در کنار آن ها احداث می کنند که ضربات جبران ناپذیری بر جنگل ها وارد می کند.

۵- **اختصاص اراضی جنگلی و منابع طبیعی به منظور احداث پروژه های صنعتی و مسکونی:** حکومتی ها و افراد وابسته به آنان در طول سال های پس از ۵۷، زمین های جنگلی زیادی را در نقاط مختلف، به خصوص در مناطقی که ارزش منطقه ای زمین بالاتر بوده، به یغما برده اند. از جمله موارد بسیاری که رخ داده، تخریب حدود ۱۰۰ هکتار زمین های جنگلی در نوشهر مازندران بوده است. بدین صورت که یک شرکت کشاورزی به نام "جیسا" که به صورت مسئولیت محدود ثبت شده و متعلق به عوامل رژیم است، قبل از دهه ۷۰ خورشیدی مساحتی حدود ۹۴ هکتار از اراضی جنگلی و جلگه ای منطقه "توسکا تک" و "دیزرکلا" نوشهر (شکارگاه سابق) واقع در پلاک های ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ فرعی از ۲۱ اصلی و ۸ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۴ قشلاق میان بند را جهت اجرای طرح جنگل کاری، از سازمان جنگل ها و مراتع کشور تحویل گرفته و به تملک خود در می آورد. اما طی سالیان متمادی اقدام به اجرای طرح و انجام تعهدات خود نمی نماید. در عین حال، با توجه به جاذبه توریستی منطقه و سودهای کلان موجود در ساخت و ساز در عرصه های جنگلی و ساحلی و جلگه ای، با اعمال نفوذ در سازمان جنگل ها و مراتع کشور، خواستار تغییر کاربری عرصه تحت تملک از جنگل کاری به طرح تلفیقی جنگل کاری- مسکونی می گردد تا با انجام تفکیک و ساخت و ساز در اراضی مذکور، از سرمایه های ملی حداکثر سوءاستفاده را بنماید. در نهایت شرکت مزبور در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مجوز مربوطه از اداره کل منابع طبیعی منطقه نوشهر نیز، می گردد.^{۲۰}

در موردی دیگر، در سال ۱۳۸۶ به دستور اسکندری وزیر وقت وزارت جهاد کشاورزی و پی گیری ها و فشارهای شخصی به نام سردار عبداللهی از استانداری استان گیلان، ۱۲۰ هکتار از جنگل های باستانی شمال کشور در منطقه سراوان رشت، تخریب شد. اسدی مدیر کل حفاظت سازمان جنگل ها در مورد علت تخریب جنگل های سراوان گفته بود: "رییس جمهور در جریان سفر اخیر خود به استان گیلان، مصوبه ای برای توسعه شهرک صنعتی رشت و به طور کلی ورود صنایع به استان گیلان داشت و در پی آن، درخواست واگذاری ۱۲۰ هکتار از جنگل های سراوان مطرح شد و چون استانداری مرتباً فشار می آورد، سازمان موضوع را به وزارتخانه محول کرد تا وزیر تصمیم بگیرد... تخریب های چند روز گذشته، فاقد توجیه فنی و قانونی است."^{۲۱} همچنین مجلس رژیم که متشکل از تعدادی جنایتکار و دزد و کارچاق کن است، مدتی پیشتر طرحی را در دست بررسی داشت که به موجب آن، واگذاری اراضی جنگل های شمال در قطعات یک هکتاری به صورت اجاره های ۹۹ ساله، به افراد، بلامانع باشد. بر اساس این طرح، سازمان جنگل ها و مراتع کشور و وزارت جهاد کشاورزی موظف به واگذاری اراضی ملی در مناطق خارج از عرصه های جنگلی تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری از سطح دریا در قطعات ۲ هکتاری به صورت اجاره ۹۹ ساله به متقاضیان می شدند. این طرح، "طرح افزایش بهره وری بخش کشاورزی" نام داشت. اما در ماده ۸ آن، ساخت ویلا هم در اراضی واگذاری، مجاز شمرده شده بود. این طرح به

اعتقاد کارشناسان قبل از هر چیز یادآور واقعه تلخ "واگذاری جنگل های شمال در قطعات ۲ تا ۳۵ هکتاری" در سال های قبل از ۵۷ و نیز طرح ویرانگر "طوبی" در دهه ۷۰ بوده است. کاظم نصرتی رییس جامعه جنگلبانی کشور در این مورد گفته بود که ماده ۸ این طرح، چوب حراج به همه اراضی ملی و حتی جنگل های شمال زده است که اگر تصویب شود، باید فاتحه منابع طبیعی ایران را برای همیشه خواند.^{۲۲} در حالی که انتقادات فراوانی به طرح مذکور وارد می شود، طرح در نیمه دوم مهر برای تصویب جزییات به صحن علنی می رود.^{۲۳} و نکته آخر این که عباس رجایی رییس کمیسیون کشاورزی مجلس گفته: "طرح افزایش بهره وری، قانونی بسیار مترقی است."^{۲۴}

۶- **قطع درختان جنگلی به منظور عبور خطوط انتقال نفت و گاز:** از جمله دلایل کاهش سطح جنگل ها در ایران، قطع درختان جنگلی و تخریب جنگل به منظور عبور خطوط انتقال نفت و گاز است که گاه توسط دستگاه های ذربط به طور خودسرانه و گاه با موافقت سازمان های مسئول حفظ و حراست جنگل و منابع طبیعی صورت می گیرد. از جمله رخدادهای اخیر مربوط به این امر، قطع ۱۰ هزار درخت بلوط در منطقه حفاظت شده دنا در روزهای ۷ و ۸ مهرماه سال ۱۳۸۸ می باشد. بدین صورت که کارگران خط انتقال گاز از عسلویه به مناطق شمال و شمال غرب کشور، در طول دو روز، از چهارشنبه ۱۳۸۸/۷/۷ تا پنج شنبه ۱۳۸۸/۷/۸، بیش از ۱۰ هزار اصله درخت کهنسال بلوط را در حوزه "سینه نمک" در منطقه حفاظت شده دنا، برای انتقال این خط لوله گاز قطع کرده اند. وسعت تخریب جنگل ها در منطقه حفاظت شده دنا نزدیک به ۳ کیلومتر با عرض ۲۸ متر عنوان شده و پیش بینی کارشناسان این است که اگر ممانعتی از سوی محیط بانان صورت نمی گرفت، این تخریب تا مرز ۱۰۰ هزار درخت تا پایان مسیر پیش می رفته است. دکتر اسماعیل کهرم کارشناس حیاط وحش کشور در این رابطه اظهار داشت که: "قطع ۱۰ هزار درخت بلوط در منطقه حفاظت شده دنا، زیستگاه سنجاب ایرانی را به شدت در معرض خطر قرار می دهد و به چرخه حیوانات در این مناطق آسیب می رساند."^{۲۴}

در مجموع اقدامات و فعالیت های رژیم تغییرات منفی شدیدی را از نظر کمی و نیز کیفی در جنگل های ایران باعث شده است. از دیدگاه آماری، سازمان خواروباروکشاورزی ملل متحد یا فائو (F.A.O) سطح جنگل های ایران را در سال ۱۳۵۶، ۲۱ میلیون هکتار اعلام کرد. سپس، همین سازمان سطح کل جنگل های کشور را در سال ۱۳۸۴، ۷/۳ میلیون هکتار و در سال ۱۳۷۹، ۷/۲۹۹ میلیون هکتار و در همان سال ۷۹، سطح جنگل های طبیعی کشور را، ۵/۰۱۵ میلیون هکتار اعلام نموده است. این سازمان همچنین اعلام داشت که تغییر سطح جنگل ها در ایران در سال ۲۰۰۰ نسبت به سال ۱۹۹۰ روند منفی داشته و طی این دوره ۱۱ درصد کاهش سطح داشته است.^{۲۲}

منابع

- ۱- احمد یغما: حزب رنجبران و جنگل های شمال - وبلاگ AhmadYaghma.blogfa
- ۲- شباهنگ راد: جنگل خی پوست مازندران غرق در خون شد - سایت تبرستان ۱۳۸۷/۱/۳-
- ۳- داریوش بیات: سایت سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور- ۱۳۸۶/۱۱/۱۷
- ۴- یوسف گرجی بحری: آسیب شناسی طرح خروج دام از جنگل های شمال - سایت jangalhayeshomal
- ۵- سایت marta83
- ۶- سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی - ۱۳۸۸/۸/۴
- ۷- آسیب شناسی طرح خروج دام از جنگل های شمال - سایت jangalhayeshomal
- ۸- سایت دیده بان محیط زیست ایران - ۱۳۸۶/۵/۳۰
- ۹- بیژن روحانی: چشم انداز محیط زیست ایران در سه سال گذشته - سایت رادیو زمانه - ۱۳۸۸/۱/۱۳
- ۱۰- روزنامه همدان پیام - شماره ۷۵۰ - دوشنبه ۱۳۸۸/۶/۹
- ۱۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی - ۱۳۸۸/۶/۱۵
- ۱۲- سایت خبرگزاری مستقل محیط زیست ایران - ۱۳۸۸/۷/۲۷
- ۱۳- سایت آزادی اندیشه ۳، به نقل از آژانس ایران خبر ۷- / جولای ۲۰۰۹
- ۱۴- خبرگزاری مستقل محیط زیست ایران ۱۶/۱/۱۳۸۸-
- ۱۵- روزنامه ایران: يك جنگل هزار آرزو - دوشنبه ۱۳۸۸/۴/۲۳
- ۱۶- عباس پالیزدار: نقش روحانیان در مفاسد اقتصادی - سایت balatar.wordpress.com
- ۱۷- الهه موسوی: روزنامه اعتماد ملی - شماره ۱۷۲۷ - ۱۳۸۷/۴/۳۰
- ۱۸- محسن ظهروی: جاده ابر با نظر محیط زیست از میان جنگل می گذرد - سایت سرود کوهستان - ۱۳۸۷/۲/۹
- ۱۹- سایت farsnama به نقل از ایرنا ۱۳۸۷/۸/۲۵-
- ۲۰- شهادت امین آزاد - سایت ettelaat.net
- ۲۱- سایت دیده بان محیط زیست ایران به نقل از روزنامه هم میهن - ۱۳۸۶/۳/۳
- ۲۲- مژگان جمشیدی: روزنامه اعتماد ملی - شماره ۸۵۲ - ۱۳۸۷/۱۱/۱۵

- ۲۳- خبرگزاری کشاورزی ایران (ایانا) - ۱۳۸۸/۷/۸
- ۲۴- خبرگزاری کشاورزی ایران (ایانا) ۱۳۸۸/۷/۱۳ -
- ۲۵- سایت خبرگزاری مستقل محیط زیست ایران
- ۲۶- سایت سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)